

# سازمان کنفرانس اسلامی، ایران و اجلاس تهران

از: سید هادی برهانی

## مقدمه:

سازمان کنفرانس اسلامی یگانه نهاد بین‌المللی دولتی است که ضمن اختصاص داشتن به کشورهای اسلامی تقریباً تمامی آنها را در برمی‌گیرد. با احتساب ۵۵ عضو فعلی، سازمان کنفرانس اسلامی صاحب بیشترین اعضا پس از سازمان ملل متحد در میان سازمانهای بین‌المللی عمومی (IGO) است. همچنین سازمان کنفرانس اسلامی در کنار جنبش عدم تعهد از معدود مراکز بین‌المللی دولتی به شمار می‌آید که فرآیند تشکیل در آنها بر اساس ارزشی ایدئولوژیک پایه‌ریزی شده است. ماهیت دینی محور تشکیل در این سازمان، آنرا از جنبش عدم تعهد که مبتنی بر عقیده‌ای غیردینی است، متمایز می‌سازد.<sup>۱</sup> گذشته از آن، سازمان کنفرانس اسلامی واجد ابعاد یا اختصاصاتی در سطح جهان اسلام یا کانون اصلی آن، خاورمیانه، است که از اهمیت برخوردار می‌باشد:

اولاً: سازمان کنفرانس اسلامی و مفهوم تشکیل در آن ارتباط مشخص و وثیقی با تاریخ اسلامی منطقه یا تاریخ مشترک کشورهای اسلامی در طول قرن‌ها دارد.

ثانیاً: تقریباً تمامی مسائل و مشکلات جدی جهان اسلام در تقریباً سه دهه گذشته از عمر سازمان، در مباحثات یا مصوبات سازمان کنفرانس اسلامی انعکاس یافته است.<sup>۲</sup> از این رو بخش قابل توجهی از تاریخ معاصر کشورهای اسلامی در محدوده فعالیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی رقم خورده است.

ثالثاً: اوضاع جوامع اسلامی در طول سه دهه گذشته نشان می‌دهد که به هنگام برخورد جهان اسلام با مشکلی اسلامی، سازمان پیش از هر کانون بین‌المللی دیگر مورد توجه افکار عمومی کشورهای اسلامی و محافل مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی آن قرار می‌گرفته است.

بر این اساس، آشنایی با سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند به شناخت جهان معاصر اسلامی، منطقه پیچیده خاورمیانه و تأثیر تاریخ منطقه بر تحولات کنونی آن کمک کند و این امر بویژه برای ما که در آستانه میزبانی هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی هستیم، اهمیت بیشتری دارد. این اجلاس بزرگترین گردهمایی بین‌المللی در سطح سران است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تهران برگزار می‌شود.

## معرفی اجمالی سازمان:

اجلاسهای رسمی سازمان صاحب نقش است. دبیرکل سازمان براساس موضع اجلاسهای رسمی، به مسائل مربوطه می‌پردازد. این موضعی عمومی عموماً از راه صدور بیانیه صورت می‌گیرد. همچنین دبیرکل در هر اجلاس رسمی گزارشهایی در مورد هر يك از موارد مندرج در دستور کار، به اجلاس می‌دهد. دبیرکل برای چهار سال که يك بار قابل تمدید است، انتخاب می‌گردد. مقرر شده است که در این انتخاب و سایر انتخابها، تقسیم عادلانه و متوازن جغرافیایی فرصتها یا امتیازات موجود در سازمان مدنظر باشد. بر همین اساس سعی می‌شود پست دبیرکلی بطور مساوی در اختیار گروههای آسیایی، آفریقایی و عرب قرار گیرد. دبیرکل فعلی سازمان، «دکتر عزالدین العراقی» نخست‌وزیر سابق مراکش، نامزد معرفی شده از سوی گروه عربی بوده است. به علاوه، دبیرخانه مأمور هماهنگ نمودن و نظارت بر کار بیش از سی ارگان وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است. این ارگانها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و فقهی فعالیت دارند. بودجه دبیرخانه که سالانه در حدود ده میلیون دلار است به صورت سهمیه بوسیله اعضا تأمین می‌گردد. در عمل نیازهای مالی سازمان و ارگانهای آن بیشتر از سوی اعضای ثروتمند سازمان بویژه عربستان برآورده می‌شود. «بانک توسعه اسلامی»، «مجمع فقه اسلامی»، «کمیته قدس»، «سازمان اسلامی امور فرهنگی، علمی و تربیتی» و «کمیته دائم همکاریهای اقتصادی و بازرگانی» را می‌توان مهمترین ارگانهای سازمان به شمار آورد. مقر ارگانهای وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در کشورهای مختلف عضو پراکنده است اما در میان آنها کشورهای عربستان، ترکیه، مراکش و پاکستان بهره بیشتری از این مراکز برده‌اند. عضویت کشورها در برخی از این مراکز خودبخود و در برخی دیگر اختیاری است.

مبنای کار در سازمان، منشور ۱۴ ماده‌ای آن است که در اجلاس سوم وزیران خارجه (جده - ۱۹۷۲) مورد تصویب قرار گرفت. هر کشوری که داوطلب عضویت در سازمان است باید منشور سازمان را بپذیرد. البته در سازمان اعضای چون ترکیه، اندونزی و لبنان حضور دارند که با نپذیرفتن منشور، بعنوان کشورهای شرکت کننده در اجلاسهای اولیه سازمان، به عضویت درآمده‌اند. این دولتها تعهدات مندرج منشور را با اصول لاتیك حاکم بر کشور خویش مغایر می‌دانستند. تقریباً ۱۲ کشور عضو سازمان نظامهای سیاسی سکولار دارند. در بیش از هشت کشور عضو، مسلمانان تنها اقلیتی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.<sup>۲</sup> این نسبت در اوگاندا به کمتر از ده درصد می‌رسد. هیچ تمهد خاصی مبنی بر اجرای احکام شریعت در کشورهای عضو در منشور سازمان مطرح نشده است. براساس منشور هر «کشور اسلامی» می‌تواند به عضویت سازمان درآید، اما هیچ معیاری برای شناسایی «کشور اسلامی» مشخص نشده است. در عمل هر کشوری که

۵۵ عضو سازمان در ۴ قاره جهان پراکنده‌اند. جز «آلبانی» که کشوری اروپایی است و «ترکیه» که خود را اروپایی به حساب می‌آورد و «سورینام» که عضو آمریکایی سازمان است، دیگر اعضای سازمان از قاره آسیا یا آفریقا هستند. همچنین، اعضا براساس نوعی تقسیم‌بندی رسمی به سه گروه عرب، آفریقایی و آسیایی تعلق دارند. گروه عرب و بویژه کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس کانون اصلی قدرت در سازمان به شمار می‌آیند. سازمان کنفرانس اسلامی از زمان نخستین اجلاس سران در سال ۱۹۶۹ (رباط - مراکش) تاکنون ۷ اجلاس عادی در سطح سران و ۲۴ اجلاس عادی در سطح وزیران خارجه برگزار کرده است. اجلاس وزیران خارجه هر سال و اجلاس سران هر سه سال يك بار برگزار می‌شود. میزبانی هر کشور باید از سوی اجلاس رسمی مورد تأیید قرار گیرد. کشور میزبان برای يك دوره زمانی که تا برگزاری اجلاس بعدی به طول خواهد انجامید، ریاست سازمان را در آن اجلاس برعهده خواهد داشت. در اجلاس وزیران خارجه و سران موارد موجود در دستور کار سازمان شامل امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اداری و مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد، و تصمیم‌های سازمان درباره آنها طی قطعنامه‌هایی منتشر می‌گردد. تعداد کل قطعنامه‌های اجلاس‌های عادی حدود صد مورد می‌باشد. همچنین در پایان هر اجلاس سران یا وزیران خارجه بیانیه‌ای مشتمل بر نکات اصلی مطروحه در اجلاس و خلاصه تصمیم‌ها انتشار می‌یابد. اجلاس سران عالیترین مرجع تصمیم‌گیری در سازمان است اما اجلاس وزیران خارجه عملاً مرکز عمده تصمیم‌گیری به شمار می‌آید.

موضوعهای مورد بحث در هر اجلاس عادی وزیران خارجه به وسیله جلساتی مقدماتی شامل نشست «کارشناسان ارشد» و «کمیسیون اسلامی امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی»<sup>۳</sup> مورد بررسی کارشناسی قرار می‌گیرد. همچنین پیش از اجلاس سران، وزیران خارجه طی نشست پیروان دستور کار، متنی را تنظیم می‌کنند که معمولاً مورد تأیید اجلاس سران قرار می‌گیرد. گذشته از اجلاسهای سران و وزیران خارجه که دو رکن اصلی سازمان به شمار می‌آید، دبیرخانه سازمان که مقر موقت آن شهر جده می‌باشد، رکن سوم سازمان محسوب می‌گردد. مقرر شده است که در صورت تصویب اساسنامه دادگاه عدل اسلامی، این مرکز بعنوان رکن چهارم سازمان وارد عمل شود. دبیرخانه سازمان که دبیرکل در رأس آن قرار دارد، عهده‌دار امور ستادی سازمان است. در واقع دبیرخانه اجرای مصوبات اجلاسهای رسمی سازمان و تحولات مربوط به موضوعات مندرج در دستور کار سازمان را پیگیری می‌کند و نیز در امر برگزاری

دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان باشد، می تواند به سازمان راه یابد.<sup>۵</sup>

هدفهای هفتگانه منشور به ترتیب عبارت است از:

- ۱- ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو؛
- ۲- حمایت از همکاری میان کشورهای عضو در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر موارد اساسی و مشورت میان کشورهای عضو در سازمانهای بین المللی؛
- ۳- تلاش در جهت محو تبعیض نژادی و خاتمه بخشیدن به استعمار در همه اشکال آن؛
- ۴- اتخاذ تدابیر لازم برای پشتیبانی از صلح و امنیت بین المللی مبتنی بر عدالت؛
- ۵- هماهنگ نمودن تلاشها به منظور حفاظت از اماکن مقدس و آزادسازی آنها و پشتیبانی از مبارزه ملت فلسطین و کمک به آن در جهت بازگرداندن حقوق و آزاد نمودن سرزمینش؛
- ۶- پشتیبانی از مبارزه همه ملل اسلامی در راه حفاظت از کرامت، استقلال و حقوق ملی شان؛
- ۷- ایجاد جوی به منظور ارتقاء همکاری و تفاهم میان کشورهای اسلامی و دیگر کشورها.<sup>۶</sup>

آئین نامه ای نیز در مورد شیوه جریان امور و تصمیم گیری در جلسات رسمی سازمان تهیه شده است که به موجب آن تصمیم گیری در سازمان بر اساس رأی اکثریت صورت می گیرد اما در عمل تصمیمات سازمان طی جلسات رسمی، با اجماع اتخاذ می شود.<sup>۷</sup>

## ریشه های تاریخی سازمان:

حوزه عضویت سازمان کنفرانس اسلامی عمدتاً شامل کشورهای است که از يك رشته وجوه مشترك یا نزدیکیهای تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و... برخوردارند. محور رسمی تجمع آنها نقطه اشتراکی مبتنی بر اعتقاد دینی است. احتمالاً سازمان کنفرانس اسلامی تنها نهاد بین المللی دولتی است که چنین ویژگی ای یافته است. اما به نظر می رسد که در دوره معاصر روابط بین الملل، چیزی که احتمالاً بیش از همه اسباب اشتراکی واقعی میان آنها را فراهم ساخته، تاریخ مشترك کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی یا اغلب اعضای اصلی آن است. تاریخ مشترك که اساساً تاریخی اسلامی است تصویری از قرنهای (حدود ۱۳ قرن) یکپارچگی و اتحاد را توأم با درخشش تمدن عظیم اسلامی ارائه می نماید. به دلیل درخشندگی و عظمت این دوره تاریخی و ناپسامانیهای موجود در جوامع اسلامی معاصر و پراکندگی آنها «نگاه به تاریخ» بعنوان عنصری نیرومند در شخصیت سیاسی و هویت جامعه اسلامی معاصر راه یافته است. تاریخ اسلامی همچنین

منبع الهام اندیشمندان مسلمان و مایه نشاط و حرکت در میان نیروهای سیاسی جوامع اسلامی است. در واقع بر مبنای مقایسه ای ساده میان اوضاع وخیم مسلمانان در عصر حاضر و اقتدار و عظمت آنان در طول نزدیک به ۱۳ قرن، برداشتی نیرومند در جوامع اسلامی پدید آمده مبنی بر اینکه علت اصلی ضعف کنونی کشورهای اسلامی پراکندگی و تکه تکه شدن آنها می باشد و راه اساسی رهایی از ناپسامانیهای فعلی تمسک به «اتحاد اسلامی» و رشد فرآیند «همبستگی اسلامی» است. اعتقاد به «اتحاد» که از زمان ظهور اسلام در جزیره العرب بعنوان يك اندیشه بر جوامع اسلامی حاکم بوده، از ارزشهای سیاسی ریشه می گیرد که اساسی دینی دارد. در واقع، قرآن کریم یگانه راهنمای جاودانه مسلمانان، شامل اشارات و تصریحاتی است که ارزشهای سیاسی خاصی را در این زمینه منعکس می سازد. مهمترین موارد عبارت است از:

- واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (آل عمران - آیه ۱۰۳)؛
- ان المؤمنون اخوه (هجرات - آیه ۱۰)؛
- وان هذه امتكم امة واحدة (مؤمنون - آیه ۵۲)؛
- ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جائتهم البينات و اولئك لهم عذاب عظیم (شورا - آیه ۱۳)؛
- اطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم (انفال - آیه ۲۶).

بر این اساس، می توان يك محور جدی آیات قرآن کریم را تأکید بر وحدت، برهیز از تفرقه و ارزشهای سیاسی فرعی دیگری در این ارتباط به شمار آورد.

همچنین، اولویت و اهمیت این محور در اظهارات و عملکرد بزرگان دینی در طول حیات جامعه اسلامی مشهود بوده است. گذشته از احادیث و اقوال زیادی که در تأیید و تأکید بر ارزشهای مزبور از بزرگان دین بویژه پیامبر اسلام (ص) و جانشینان وی برجای مانده است، این بزرگان همواره در وصایای خویش ارزشهای مزبور را یادآوری نموده و تأکید بر آن را بعنوان آخرین سخنان خود با امت اسلامی در نظر گرفته اند. لذا تاریخ اسلام از زمان تشکیل اولین حکومت اسلامی در مدینه تا سطره استعمارگران غربی بر سرزمینهای اسلامی و الغای خلافت اسلامی در ابتدای قرن بیستم، شدیداً تحت تأثیر ارزشهای مزبور قرار داشته است. بر این اساس، در این دوره طولانی با وجود تفاوتها و اختلافهای بسیار میان مسلمانان مناطق مختلف، کانون و مرکزی رسمی برای حفظ اتحاد اسلامی به حیات خود ادامه می داده است.

با سقوط امپراتوری عثمانی، آخرین مرکز رسمی خلافت که پیش از شکست در جنگ با نیروهای متفقین در جنگ جهانی اول، محبوبیت و اعتبار آن در سرزمینهای اسلامی کمرنگ شده بود، نیروی سیاسی ناشی از ارزشهای سیاسی دینی ناپود نشد، بلکه وارد دوره ای از تحول

در سال ۱۹۳۱ میلادی «امین الحسینی» مفتی اعظم فلسطین بانی کنفرانس گردید که نظر به تلاشهای موفقیت آمیزش، نقطه عطفی در تاریخ این ابتکارها به شمار می آید. دو تصمیم با ارزش در این کنفرانس اتخاذ گردید. اولین تصمیم مربوط به تأسیس دانشگاه اسلامی در بیت المقدس و دیگری در ارتباط با برگزاری اجلاس «مجمع مسلمانان جهان» برای هر دو سال یکبار بود. برای هر دو کار کمیته ای تشکیل گردید. همچنین برای نخستین بار آئین نامه و مقرراتی برای «مجمع مسلمانان جهان» تنظیم گردید و انتخاباتی به منظور گزینش مسئولان مجمع و شوراهای آن برگزار گردید و مفتی اعظم فلسطین به عنوان رئیس، دکتر محمد اقبال رئیس هیات مسلمانان هند به عنوان معاون رئیس و سید ضیاء الدین طباطبایی نخست وزیر پیشین ایران و رئیس هیأت ایرانی، به عنوان دبیرکل مجمع انتخاب شدند. مقرر مجمع نیز قدس انتخاب گردید. این مجمع به علت برپا شدن انقلابی در سال ۱۹۳۶ از سوی اعراب فلسطین به دستور مقامات انگلیسی منحل گردید.<sup>۱۱</sup>

با شروع جنگ جهانی دوم دوره پیگیری افکار پان اسلامیت که در آنها احیای خلافت اسلامی نیز مورد توجه بود، به پایان رسید و جهان اسلام وارد دوره جدیدی از حیات سیاسی خود شد. واقعیات این دوره آثار عمیقی بر فکر سیاسی مسلمانان گذاشت. اهم این واقعیات عبارت بود از:

- شکست مسلمانان در جنگ ۱۹۴۸ در فلسطین و تأسیس دولت صهیونیستی؛
- تأسیس کشور اسلامی پاکستان در بخشهای مسلمان نشین هند؛
- آغاز عصر استعمارزدایی و استقلال تدریجی کشورهای اسلامی در منطقه؛
- ظهور ناسیونالیسم به عنوان یک نیروی مهم سیاسی.

بر این اساس نیروهای اسلامگرا در جهان اسلام وارد دور تازه ای از تحرك و تلاش شدند، با این تفاوت که دیگر به معنای دقیق کلمه نیروی پان اسلامیت به شمار نمی آمدند، بلکه تنها خواهان تشکیل جبهه ای متحد از کشورهای اسلامی در نظام موجود بین المللی بودند. شاید بتوان این نیرو را «پان اسلامیم نو» نامید. حضور این نیرو با تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی به نتیجه مشخص و ملموس انجامید. اما پیش از موفقیت ابتکار عربستان در تحقق ایده مزبور، تلاشها و ابتکارات متعددی صورت گرفت که برخی از آنها در موفقیت نهایی حرکت «وحدت طلبانه اسلامی» تأثیر داشت. اهم تحرکات مربوط به شرح زیر بود:

- ابتکار اردن: ملک عبدالله پادشاه اردن در سال ۱۹۴۹ طرحی به منظور تشکیل بلوک اسلامی ارائه کرد. طرح او مبتنی بر پیشنهادی دو مرحله ای شامل اتحاد هلال حاصلخیز (سوریه، اردن و عراق) به عنوان

گردید و حتی در این اثنا، واقعیتهای جدیدی موجب تقویت آن گردید. پس از القای خلافت، مسلمانان در جریان گردهمایی ها و کنگره های تلاش نمودند نظام خلافت اسلامی را مجدداً برقرار سازند. البته بیشتر این گردهمایی ها بوسیله زمامدارانی ترتیب داده می شد که خود را نامزد مناسبی برای تصدی منصب خلافت اسلامی می دانستند. از این کنگره ها می توان به مجمع مکه (ژوئیه ۱۹۲۴)، مجمع قاهره (مه ۱۹۲۶)، مجمع مکه (ژوئن ۱۹۲۶) و مجمع قدس (۱۹۳۱) اشاره نمود.<sup>۱۲</sup> در این دوره، جهان اسلام از اندیشه پان اسلامیم مبتنی بر احیای وحدت اسلامی متأثر بود اما رفته رفته و بویژه با وقوع جنگ جهانی دوم و استقلال کشورهای مختلف و متعدد اسلامی این اندیشه وارد مرحله تازه ای با نام اندیشه نئوپان اسلامیم گردید. در این دوره اندیشمندان و رجال سیاسی مسلمان، عمدتاً تقسیمات سیاسی کشورهای اسلامی را به رسمیت شناختند، ولی خواهان برقراری اتحاد میان کشورهای اسلامی و مقابله مشترک با خطرهای خارجی شدند.<sup>۱۳</sup>

## تاریخچه تشکیل سازمان و نقش ایران:

چنان که اشاره شد، تاریخ اسلامی تأثیر بسیاری بر جوامع اسلامی گذاشته است. در واقع با آغاز دوران جدید تمدن بشری که خاستگاه اصلی آن غرب می باشد، جوامع اسلامی در معرض بلایا و فشارهای سختی قرار گرفتند. از یکسو دخالت نیروهای پیشرفته غربی در کشورهای اسلامی که موجب سيطرة آنها بر امور مسلمانان شده بود، آنها را آزار می داد و از سوی دیگر فاصله زیاد غرب پیشرفته و جهان عقب مانده اسلامی آنان را تحت فشار قرار می داد، در این شرایط افکاری که ریشه مشخص تاریخی داشت ظهور نمود. این افکار بر اساس تعالیم اسلامی و تحت تأثیر تاریخ اسلامی، علت اصلی ضعف مسلمانان را در انشقاق و تفرق آنها می دید. لذا راه نجات را در توجه به ارزشهای دینی بویژه ارزش سیاسی همبستگی و بازگشت به اتحاد پیشین جستجو می نمود. در میان همه اندیشمندان این دوره، سیدجمال الدین اسدآبادی، برجستگی ویژه ای دارد. او با اعتقاد به اصل برادری اسلامی و به منظور برپا داشتن اتحادی نو، به فعالیت سیاسی بویژه در سطح دولتهای اسلامی پرداخت. سیدجمال توجه ملت های مسلمان را به تاریخ افتخارآمیزشان جلب کرد و آنها را به مقاومتی یکپارچه در برابر دخالت نیروهای خارجی دعوت نمود.<sup>۱۴</sup> از این رو او را طلایه دار فکر وحدت اسلامی در عصر جدید و معمار اندیشه «پان اسلامیم» به شمار می آورند. در طول سالهای سيطرة استعمارگران اروپایی، ابتکارها و تلاشهای مشخصی به منظور احیای وحدت اسلامی، صورت گرفت که در بخش گذشته مقاله از برخی از آنها نام برده شد.

گام اول در جهت اتحاد عربی و سپس گسترش دامنه وحدت به سوی کشورهای اسلامی غیرعربی چون ترکیه و پاکستان بود.<sup>۱۲</sup>

- ابتکار پاکستان: پاکستان از طریق ابتکارات و فعالیتهای مختلف سهم زیادی در پیگیری ایده وحدت اسلامی و تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی دارد. فعالیتهای مرکز «مؤتمرالعالم الاسلامی» در طول سالهای دهه پنجاه و تأسیس سازمان «کنفرانس اقتصادی اسلامی بین المللی» تلاشهایی از این دست به شمار می آید.<sup>۱۳</sup>

- ابتکار مصر: بنا به ابتکار جمال عبدالناصر، رئیس جمهور وقت مصر در سال ۱۹۵۴، مرکزی به نام کنگره جهان اسلام با حضور رهبران مصر، پاکستان و عربستان تشکیل شد. مقر این مرکز قاهره و دبیرکل آن «انورالسادات» بود. به علت بروز نارضایتی و اختلاف میان اعضا، تا پایان دهه پنجاه، این مرکز عملاً اعتبار بین المللی خود را از دست داد و به مرکزی محلی در مصر بدل گردید.<sup>۱۴</sup>

- ابتکار مالزی: از اواسط دهه ۶۰، دولت مالزی فعالانه ابتکاری مبنی بر برگزاری کنفرانسی از کشورهای اسلامی را دنبال نمود. این ابتکار به برگزاری اولین کنفرانس کشورهای اسلامی در سطح دولتی در آوریل ۱۹۶۹ در کوالالامپور انجامید.<sup>۱۵</sup>

- ابتکار ایران: ایران در جریان تحقق ایده همبستگی اسلامی نقش ویژه ای بازی کرد. بروز تشنج در روابط عراق و سوریه موجب شد برای نخستین بار زمینه ای برای طرح نظرات دولت ایران در این باره فراهم شود. وزیر امور خارجه وقت در ۱۸ آذر ۱۳۳۵ در مجلس شورای ملی حضور یافت و پیرامون ضرورت برگزاری اجلاسی از نمایندگان کشورهای اسلامی خاورمیانه به منظور حل و فصل اختلاف مورد اشاره، سخنرانی کرد و آمادگی ایران را برای همادارگ چنین اجلاسی اعلام نمود. در پی آن، نظر دولت ایران در این زمینه به اطلاع سفیران کشورهای عربی مقیم تهران رسید اما ظاهراً به علت عدم استقبال طرفهای عرب، موضوع به نتیجه ای مشخص نرسید. اما با آغاز حرکت ملک فیصل به منظور تحقق ایده همبستگی اسلامی، تهران مورد توجه قرار گرفت و فیصل سفرهای دوره ای خود برای کسب حمایت کشورهای اسلامی از فکر تشکیل کنفرانس سران اسلامی را از تهران آغاز کرد. از پیشنهاد فیصل در ایران بطور کامل حمایت شد (۱۷ آذر ۱۳۴۳) و در واقع در میان همه کشورهای اسلامی که مورد بازدید فیصل قرار گرفت تنها ایران بطور مشخص و صریح از ایده تشکیل کنفرانس سران اسلامی پشتیبانی کرد.

پس از حادثه آتش سوزی در مسجدالاقصی دور دیگری از تلاشها به منظور تشکیل کنفرانس سران اسلامی آغاز شد و شاه ضمن فراخواندن سفرای کشورهای اسلامی در تهران، آمادگی ملت و دولت ایران را برای مشارکت در ترمیم و تعمیر مسجدالاقصی به اطلاع آنان رساند.

با پیشرفت فرآیند تشکیل کنفرانس سران اسلامی و تصمیم

اجلاس وزیران خارجه اتحادیه عرب در ۲۲ اوت ۱۹۶۹ مبنی بر تأیید فراخوان ملک فیصل در این باره، عربستان و مراکش مأمور انجام ترتیبات لازم به منظور برگزاری کنفرانس مزبور شدند و مقرر گردید کمیته ای در این خصوص ایجاد شود. ایران یکی از هفت کشور عضو این کمیته بود. همچنین ایران یکی از دهه کشوری بود که در بالاترین سطح در نخستین کنفرانس سران اسلامی در رباط (۱۹۶۹) شرکت کرد. این کنفرانس را که نمایندگان ۲۵ کشور اسلامی در آن حضور داشتند، ملک حسن پادشاه مراکش بعنوان میزبان و شاه ایران به نمایندگی از طرف میهمانان افتتاح نمودند. محمدرضا پهلوی طی سخنرانی خویش، برپایی کنفرانس مزبور را حادثه ای مهم در تاریخ جهان اسلام خواند.<sup>۱۶</sup>

- ابتکار عربستان: دولت عربستان در چارچوب پیگیری سیاستهای اسلامی، ابتکاری مبنی بر تشکیل کنفرانس سران اسلامی و سپس تشکیل کنفرانس اسلامی را در دهه ۶۰ میلادی در دستور کار قرار داد. در سال ۱۹۶۲، به دستور ملک سعود کنفرانسی با حضور شخصیتهای اسلامی حاضر در مراسم حج در مکه برگزار شد. در این کنفرانس سازمان تبلیغاتی «رابطه العالم الاسلامی» بنیانگذاری شد، مقر دبیرخانه دائم این مرکز شهر مکه تعیین گردید و هیأت مؤسسان مرکز نیز از میان شخصیتهای اسلامی حاضر انتخاب شدند.

در نوامبر ۱۹۶۴، ملک سعود بوسیله شورای علمای عربستان از کار برکنار شد و امیر فیصل به جای او نشست. فیصل که از تجربه و توان بیشتری در امور دیپلماتیک برخوردار بود، حرکت جدیدی را آغاز کرد و بویژه پس از شکست در مصالحه با طرفهای رادیکال عرب، عزم و تحرك بیشتری برای پیگیری هدف برپانمودن نوعی همبستگی اسلامی نشان داد. ملک فیصل استراتژی خود را مبتنی بر دو جزء مطرح ساخت: اولاً، اتحاد عربی باید متناسب با گرایش تمام اعضای جهان عرب باشد و وضع ویژه هر کشور عرب را در نظر بگیرد؛ ثانیاً، وحدت عربی پایان کار به شمار نمی آید، بلکه بخشی از وحدت فراگیر اسلامی است. از همین رو ملک فیصل بدون تعلل فراخوان «آدم عبدالله عثمان» رئیس جمهور سومالی در مورد برگزاری کنفرانس سران اسلامی را که در ششمین اجلاس «کنفرانس جهان اسلام» در موگادیشو پایتخت سومالی، مطرح شده بود، تأیید نمود. این اجلاس که (۲۶ دسامبر ۱۹۶۴ تا دوم ژانویه ۱۹۹۵) در آن ۲۳ هیأت از کشورهای مختلف شرکت کرده بودند، از دولتهای اسلامی خواست به ایده تأسیس (اتحادیه) مشترک المنافع (کامولت) کشورهای اسلامی جامه عمل بپوشانند و به برگزاری کنفرانسی در سطح سران کشورهای اسلامی مبادرت نمایند. کنفرانس عمومی «رابطه العالم الاسلامی» نیز در آوریل ۱۹۶۵ در ایام حج برگزار شد از ملک فیصل خواست تلاشهای لازم برای دستیابی به این هدف بزرگ اسلامی را پیگیری نماید.

پس از آن، ملک فیصل دور جدیدی از تلاشها را با هدف جلب نظر

آورد. فیصل يك روز پس از این حادثه طی بیانیه‌ای مسلمانان جهان را به جهاد برای آزادی فلسطین دعوت کرد. دبیرخانه رابطه العالم الاسلامی نیز ضمن تأکید بر دعوت ملك فیصل به جهاد، خواهان تشکیل کنفرانسی فوری برای بررسی اوضاع شد. در واقع امواج خشم توده‌های مسلمان، غیر از اسرائیل، متوجه رهبران کشورهای اسلامی نیز بود، زیرا بی‌کفایتی آنان در نگاهبانی از مقدسات اسلامی و بی‌توجهی آنها به امر مبارزه مشترك و متحد با دشمن صهیونیستی شدیداً جوامع اسلامی را متأثر ساخته بود.

نمایندگان کشورهای عربی در اتحادیه عرب طی جلسه ویژه‌ای در ۲۲ اوت، خواهان تشکیل اجلاس اضطراری شورای اتحادیه عرب شدند. بر این اساس وزیران خارجه کشورهای عربی در ۲۵ اوت اجلاسی اضطراری به منظور بررسی اوضاع ناشی از آتش‌سوزی در مسجدالقصی برگزار کردند. در این اجلاس بر ضرورت نشست سران عرب برای اعلام موضع در برابر موضوع تأکید شد. همچنین فراخوان ملك فیصل پیرامون برپایی کنفرانس سران اسلامی مورد تأیید قرار گرفت.<sup>۱۸</sup> وظیفه انجام ترتیبات لازم برای برگزاری چنین کنفرانسی به عربستان و مراکش محول شد. وزیر خارجه مراکش پس از سفر به تونس، الجزایر، لیبی و ایران اعلام کرد که کمیته آماده‌سازی کنفرانس با حضور نمایندگان هفت کشور اسلامی برای بررسی چگونگی برگزاری کنفرانس سران اسلامی از هشتم تا نهم سپتامبر ۱۹۶۹ در رباط تشکیل جلسه خواهد داد. اعضای این کمیته که اجلاسی در سطح وزیران منعقد نمود عبارت بودند از مراکش، عربستان، ایران، سومالی، نیجر، مالزی و پاکستان. کمیته مزبور ضمن تصویب چارچوب دستور کار کنفرانس تصمیم گرفت کنفرانس سران از تاریخ ۲۲ الی ۲۴ سپتامبر همان سال در رباط برگزار شود. همچنین کمیته بدون آنکه معیاری برای انتخاب شرکت‌کنندگان اعلام نماید دعوت از ۳۵ کشور را تصویب کرد. دعوت از سوی ملك حسن و ملك فیصل، مشترکاً انجام شد. از ۳۵ کشور دعوت شده تنها ۲۵ کشور در کنفرانس شرکت کردند و از میان آنها تنها ده کشور در سطح رئیس در کنفرانس حضور یافتند. کشورهایی که مشارکت در کنفرانس را نپذیرفتند عبارت بودند از سوریه، عراق، کامرون، گامبیا، نیجریه، سیرالئون، تانزانیا، ولتای علیا و ساحل عاج. سوریه و عراق شرکت خود را مشروط به حضور ساف بعنوان عضو کامل در کنفرانس نمودند و دیگر کشورها نیز عمدتاً کشورهایی بودند که با اسرائیل رابطه داشتند. اما الجزایر، ایران، اردن، کویت، موریتانی، پاکستان، عربستان، سومالی و یمن شمالی در بالاترین سطح در کنفرانس شرکت جستند.

در پایان این کنفرانس اعلامیه‌ای منتشر شد که در آن آمده بود: «دولتها و ملت‌های آنها مصممند هرگونه راه‌حلی در مورد مسئله فلسطین را که متضمن بازگشت قدس به وضع پیش از ژوئن ۱۹۶۷

کشورهای مختلف آغاز نمود و يك سلسله دیدارهای رسمی از پایتخت‌های اسلامی را در دستور کار قرار داد. چنان که گفته شد، او دور اول سفرها را از ایران آغاز کرد. جز ایران، دیگر کشورهای اسلامی همراهی ملایم و محافظه‌کارانه‌ای را با مواضع فیصل نشان دادند. ایده وحدت و همبستگی اسلامی بطور کلی در همه جا مورد حمایت قرار گرفت اما تشکیل کنفرانس سران اسلامی بطور مشخص مورد تأیید واقع نشد. جز ایران، کشورهای دیگری که استقبال جدی از ایده فیصل به عمل آوردند، بهره‌مندان از کمک‌های مالی عربستان بودند: سومالی، مالی، اردن و سودان. اما در مقابل، کشورهای تندرو عرب بویژه سوریه و مصر، موضع شدیدی در برابر ایده فیصل گرفتند و آنرا طرحی مرتجعانه به منظور هدف قرار دادن کشورهای مترقی عرب اعلام کردند. در واقع مخالفت سخت برخی کشورهای عربی با ایده اتحاد اسلامی که عمدتاً از سوی نیروهای انقلابی، چپ‌گرا، رادیکال و ناسیونالیست عرب صورت می‌گرفت، امکان توفیق طرح فیصل را بویژه تا سال ۱۹۶۷ بسیار محدود ساخته بود، زیرا طی این سالها رادیکالیسم عربی بر منطقه سیطره داشت. اما جنگ سال ۱۹۶۷ با اسرائیل به این وضع پایان داد. این جنگ که با شکست کشورهای رادیکال عرب همراه بود، چنان نیروی این کشورها را کاهش داد که عملاً صف‌بندی کشورهای عربی به دو گروه رادیکال و محافظه‌کار کم‌رنگ گردید. همچنین دو تحول عمده دیگر بر معادلات منطقه‌ای تأثیر جدی گذاشت. اولاً با تصرف شهرهای مقدس اسلامی مانند بیت‌المقدس والخلیل، نیروهای اسلام‌گرا چون عربستان براساس تعهدات و طبیعت ناشی از پیگیری سیاست اسلامی، موضع جدید و شدیدتری در برابر اسرائیل اتخاذ کردند. این امر بویژه در مورد شخص ملك فیصل مصداق ویژه‌ای می‌یافت. چنانکه مشهور است او ضمن تلاش زیاد برای ایفای نقشی محوری در مبارزه اعراب با اسرائیل، شوق زیادی برای نیل به آرزوی اساسی‌اش یعنی نماز گزاردن در مسجدالقصی نشان می‌داد. ثانیاً کشورهای عربی همسایه اسرائیل شامل مصر، سوریه و اردن گذشته از تحمل خسارتهای اقتصادی سنگینی در ایام جنگ، منابع اقتصادی قابل توجهی شامل نفت شبه جزیره سینا، درآمد کشتیرانی در کانال سوئز و منافع ناشی از توریسم و کشاورزی در کرانه باختری را از دست دادند. بر این اساس رهبران عرب سه ماه پس از شکست ۱۹۶۷، در خارطوم تصمیم گرفتند سه کشور اصلی تولیدکننده نفت یعنی عربستان، کویت و لیبی به منظور جبران خسارتهای ناشی از جنگ کمک مالی سالیانه‌ای در اختیار اقتصادهای صدمه دیده مصر، اردن و سوریه قرار دهند.<sup>۱۷</sup> این امر موجب شد کشورهای عربی تندرو از مواضع تند خود فاصله بگیرند. در چنین شرایطی آتش‌سوزی در مسجدالقصی در ۲۱ اوت ۱۹۶۹ زمینه را برای عملی ساختن ایده برپایی کنفرانس سران اسلامی فراهم ساخت و موجی از خشم و بدبینی نسبت به یهودیان در جهان اسلام پدید

- پاراگراف الف از ماده هفت منشور مورد اعتراض عربستان قرار گرفت. در این پاراگراف آمده بود: «این منشور نباید شامل مواردی باشد که با منشور سازمان ملل یا تعهدات کشورهای عضو در برابر آن مغایرت داشته باشد یا حقوق کشورهای عضو را مورد تعدی قرار دهد». نماینده عربستان استدلال می کرد که چنین چیزی در منشور سازمانهای مشابه چون اتحادیه عرب و سازمان وحدت آفریقا سابقه ندارد. مراکش، الجزایر و گینه از موضع عربستان حمایت کردند اما ایران خواهان ابقای این پاراگراف بود. نهایتاً این پاراگراف حذف شد و هیأت ایرانی نسبت به آن اعلام تحفظ نمود.<sup>۲۰</sup>

## ایران در سازمان کنفرانس اسلامی:

ایران از حیث وزن سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی و موقع ژئوپولیتیک کشور بسیار با اهمیتی در سازمان کنفرانس اسلامی به حساب می آید و چنان که اشاره شد از ابتدای فرآیند تشکیل سازمان، در صحنه حاضر بوده است. روابط ایران و سازمان را در سالهای گذشته می توان به چهار دوره مستقل تقسیم کرد:

### (۱) دوره توجه و مشارکت فعال:

این دوره که از آغاز فعل و انفعالات مربوط به تشکیل سازمان شروع شد، تا اجلاس سوم وزیران خارجه (جده - ۱۹۷۲) ادامه یافت. در این دوره، تشکیل سازمان و مسائل آن با دقت و به دیده اهمیت از سوی دولت ایران تعقیب می شد و ایران ضمن ایفای نقشی ممتاز و مثبت در جریان ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی و تثبیت آن، حضوری نیرومند در سازمان و اجلاسهای آن داشت. در این دوره کشورهای تندرو عرب هنوز جایگاهی در سازمان نیافته بودند.

برخی از این کشورها چون سوریه، عراق و یمن جنوبی در اجلاسهای سازمان حضور نمی یافتند یا چون مصر و سودان با نارضایتی و انتقاد اجلاسهای سازمان را دنبال می کردند. در این دوره، تلاش کشورهای تندرو عرب برای به عضویت درآوردن سازمان آزادیبخش فلسطین در سازمان به جایی نرسید و ساف تنها بعنوان ناظر در اجلاسهای سازمان حاضر می شد. در دوره مزبور موضع سازمان در برابر بحران خاورمیانه ملایم و محافظه کارانه بود و در مصوبات سازمان علائمی مبنی بر تقابل جدی با طرفهای غربی حامی اسرائیل دیده نمی شد. در اجلاس اول وزیران خارجه، کشورهای تندرو پیش نویس قطعنامه ای را مطرح کردند که بموجب آن از همه کشورهای اسلامی خواسته می شد روابط اقتصادی و دیپلماتیکشان را با اسرائیل قطع کنند، اما این امر مورد مخالفت برخی دیگر از اعضا قرار گرفت<sup>۲۱</sup> و به تصویب نرسید و حتی با وجود اصرار برخی از کشورهای عربی، اجلاس اول وزیران با طرح اعطای کمکهای نظامی برای مبارزه با

نباشد، رد کنند.» همچنین کنفرانس مقرر نمود در مارس ۱۹۷۰ اجلاسی در سطح وزیران خارجه کشورهای اسلامی برگزار شود. ملک حسن پادشاه مراکش در پایان کنفرانس اعلام کرد: «کنفرانس ما نتیجه دیگری (غیر از موضعگیری در برابر بحران خاورمیانه) نیز داشت. این کنفرانس عملاً و بخودی خود مقرر نمود اولین و آخرین کنفرانس نباشد.»<sup>۱۹</sup>

نخستین نشست وزیران خارجه کشورهای اسلامی از تاریخ ۲۳ تا ۲۵ مارس ۱۹۷۰ در جده تشکیل شد. دستور کار اجلاس که از سوی کنفرانس رباط تعیین شده بود شامل دو مورد بود:

الف - ارزیابی نتایج حاصل از عمل مشترک کشورهای اسلامی در سطح بین المللی؛ دوم تأسیس دبیرخانه دائمی به منظور هماهنگ کردن اقدامات کشورهای اسلامی. در اجلاس وزیران بحث مفصلی پیرامون مورد دوم درگرفت و مشخص گردید که رسیدن به تصمیمی در این باره کار آسانی نیست. درحالی که کشورهای محافظه کاری چون عربستان، اردن، مراکش و تونس از ایده تأسیس دبیرخانه جانبداری می کردند، کشورهای انقلابی عرب چون احساس می کردند دبیرخانه پیشنهادی به صورت رقیبی برای اتحادیه عرب درخواهد آمد، در صف مقابل ایستادند. به هر حال پس از بحثهایی سخت، شرکت کنندگان بر سر فرمولی خاص در مورد دبیرخانه به توافق رسیدند. براساس این فرمول دبیرخانه تأسیس گردید تا:

- رابطی میان کشورهای شرکت کننده در اجلاسهای اسلامی باشد؛  
- تصمیمات متخذه از سوی اجلاسهای مزبور پیرامون فلسطین را پیگیری نماید؛

- اجلاسهای آتی را سازماندهی کند.

همچنین اجلاس تصمیم گرفت يك دبیرکل منتخب دبیرخانه را برای مدت دو سال اداره نماید و شهر جده تا پیش از آزادی قدس مقرر دبیرخانه باشد.

دومین اجلاس وزیران خارجه از ۲۶ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۷۰ در کراچی برگزار شد. براساس نتایج این کنفرانس، سه اجلاس در کشورهای اسلامی برگزار شد. ایران در آوریل ۱۹۷۱ اجلاسی پیرامون خبرگزاری اسلامی را میزبانی نمود. مراکش کنفرانس مراکز فرهنگی اسلامی را در اوایل ژوئن ۱۹۷۱ برگزار کرد و عربستان در پایان ژوئن ۱۹۷۱ بانی کنفرانسی برای تنظیم پیش نویس منشور شد. در اجلاس سوم وزیران خارجه که از ۲۹ فوریه تا ۴ مارس ۱۹۷۲ در جده برگزار شد، منشور سازمان مورد تصویب قرار گرفت و بدین ترتیب سازمان کنفرانس اسلامی رسماً موجودیت یافت. در رابطه با تصویب منشور چند موضوع بحث انگیز گردید:

- نام فلسطین و حمایت از مبارزه مردم آن که در اهداف منشور گنجانده شده بود، مورد مخالفت سیرالئون و گینه قرار گرفت اما با حمایت سوریه، الجزایر، مصر و دخالت عربستان تصویب شد.

در همین ارتباط، ایران در اجلاس دوم سران سازمان (لاهور - ۱۹۷۴) که اجتماع با شکوهی از مقامات عالی‌رتبه ۳۸ کشور اسلامی بود، تنها در سطح وزیر خارجه<sup>۲۵</sup> شرکت کرد. این امر با توجه به اهمیت ویژه اجلاس مزبور و برگزاری آن در کشوری دوست و همسایه (پاکستان) قابل تأمل بود. همچنین، هیأت ایرانی در اجلاس مزبور که بخش مهمی از بحثهای آن با توجه به افزایش قیمت نفت به مسئله کمک کشورهای ثروتمند سازمان به اعضای فقیر آن در چارچوب سازمان اختصاص داشت، ساز جدایی نواخت و موضوع کمک دو میلیارد دلاری ایران به کشورهای فقیر جهان سوم را مطرح ساخت.<sup>۲۶</sup>

در اجلاس ششم وزیران خارجه (جده - ۱۹۷۵) کشورهای تندرو عرب به موفقیت دیگری دست یافتند. در این اجلاس بر اساس پیشنهاد سوریه و ساف، از همه کشورهای اسلامی خواسته شد به علت مخالفت اسرائیل با قطعنامه‌های سازمان ملل، روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را با این رژیم قطع نمایند. همچنین در این اجلاس کشورهای عضو به تلاش برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل فراخوانده شدند.<sup>۲۷</sup>

روشن است که باز شدن باب چنین مصوباتی در سازمان با منافع حکومت وقت در ایران سازگاری نداشت و اسباب دلسردی آنرا فراهم نمود. از این رو ایران طی این دوره در اجلاسهای رسمی سازمان شامل يك اجلاس سران و شش اجلاس وزیران خارجه، مشارکت فعال نداشت، میزبان هیچ يك از اجلاسهای رسمی سازمان نشد و در زمانی که اکثر اعضای با نفوذ سهم خویش را در میزبانی ارگانهای وابسته به سازمان افزایش می‌دادند، تلاشی جدی برای استقرار ارگانهای سازمان در ایران به عمل نیاورد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که رژیم حاکم در ایران انتظار داشت سازمان کنفرانس اسلامی بر اساس طبیعت تشکیل دهندگان اولیه آن، باشگاهی از محافظه کاران غربی‌گرا باشد.

### ۳) دوره چالش

این دوره را که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا پایان جنگ تحمیلی یا اجلاس هفدهم وزیران (امان - ۱۹۸۸) ادامه یافت، می‌توان دوره چالش نامید؛ زیرا انقلاب اسلامی و پیروزی آن، سازمان و اعضای با نفوذ آن بویژه کشورهای محافظه کار عرب را با چالشی اساسی روبرو ساخت. همچنین، جنگ میان ایران و عراق و عدم توفیق سازمان در ایفای نقشی مؤثر در حل و فصل آن، سازمان را در برابر چالش دیگری قرار داد.<sup>۲۸</sup>

تحلیلگران مسائل منطقه‌ای از آن جهت پیروزی انقلاب اسلامی را چالشی در برابر سازمان کنفرانس اسلامی به شمار می‌آورند که انقلاب اسلامی حامل ارزشها و پیامهایی بود که پیروزی قدرتمندانه و باشکوه آن سازمان را از چند ناحیه تحت فشار قرار می‌داد.

اسرائیل موافقت نکرد.<sup>۲۲</sup> موارد مطروحه در بخش پیشین مقاله بویژه مبحث «ابتکار ایران» واقعیت‌های این دوره و علائم توجه ایران به سازمان را منعکس می‌سازد.

### ۲) دوره کناره‌گیری و رکود.

در این دوره که از اجلاس چهارم وزیران خارجه (لیبی - ۱۹۷۳) آغاز شد و تا پایان عمر نظام شاهنشاهی در ایران (۱۹۷۹) ادامه یافت، دولت ایران رفته‌رفته از سازمان کناره گرفت و روابط کشورمان و سازمان وارد مرحله‌ای از رکود و سکوت گردید.

در این دوره کشورهای تندرو عرب چون عراق و یمن جنوبی به سازمان پیوستند و ساف به عضویت کامل در سازمان دست یافت. سازمان عرصه حضور و فعالیت کشورهای شد که حکومت ایران دیدگاه مثبتی نسبت به آنها نداشت. عراق، سوریه، ساف، یمن جنوبی و لیبی از این دست کشورها بودند. لیبی طی این دوره دو بار میزبان اجلاس وزیران سازمان شد و ایران از حضور در این اجلاسها اجتناب ورزید. عربستان به رهبری فیصل از مواضع محافظه کارانه در برابر بحرین خاورمیانه دور شد، رهبری کشورهای عرب را در مبارزه با اسرائیل به عهده گرفت و بدین ترتیب خود را به کشورهای تندرو عرب نزدیک ساخت.

جنگ ۱۹۷۳ و موضع ایران در آن جنگ، جدایی ایران و سازمان کنفرانس اسلامی را بیشتر کرد. اغلب کشورهای ذینفوذ در سازمان طی این جنگ وارد درگیری با اسرائیل شدند یا در تحریم نفتی حامیان غربی آن مشارکت جستند، اما حکومت وقت ایران نه تنها در این جبهه حضور نیافت بلکه با ادامه دادن صدور نفت به غرب و اسرائیل، در طرف دیگری قرار گرفت. موضعگیریهایی سازمان در برابر بحرین خاورمیانه در این دوره ابعاد جدیدی یافت. حمایت از مبارزه ملل عرب با اسرائیل تشدید شد، حملات علیه اسرائیل و حامیان غربی آن بالا گرفت و کشورهای اسلامی از طریق سازمان و اتخاذ مواضع مشترک در دیگر سازمانهای بین‌المللی به مقابله با سیاستهای خاورمیانه‌ای غرب برخاستند. در همین ارتباط اسرائیل از یونسکو اخراج شد و طرح اخراج اسرائیل از سازمان ملل در دستور کار سازمان کنفرانس اسلامی قرار گرفت که با واکنش شدید آمریکا روبرو گردید.<sup>۲۳</sup> مصر طی این دوره از کشورهای عربی فاصله گرفت، به آمریکا و اسرائیل نزدیک شد و سرانجام پیمان صلحی با اسرائیل امضاء کرد و به همین دلیل عضویت آن در سازمان به حالت تعلیق درآمد. مصر و ایران در این دوره به هم نزدیک شدند و روابط مستحکمی برقرار کردند.

در آغاز این دوره یعنی اجلاس چهارم وزیران خارجه (لیبی - ۱۹۷۳)، ساف بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین شناخته و از همه اعضا دعوت شد نسبت به افتتاح دفتر ساف در کشورهای خود اقدام نمایند.<sup>۲۴</sup>



اولاً، انقلاب اسلامی حرکتی مردمی و نیرومند براساس اسلامخواهی و جمهوریخواهی بود. پیروزی تز جمهوریخواهی اسلام‌گرایانه، نظامهای سنتی و محافظه‌کار مسلط بر سازمان را در شرایط سختی قرار داد زیرا حرکت‌های جمهوریخواهی در منطقه عموماً با گرایش‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی یا قوم‌گرایی همراه بود و این زمینه‌ای برای نظامهای سنت‌گرا و محافظه‌کار چون عربستان به وجود آورده بود که حفظ نظام سنتی خود را با اسلامگرایی مرتبط وانمود و آنها را لازم و ملزوم هم معرفی نمایند. این ایده در سایه پیروزی انقلاب جمهوریخواهانه اسلامی در ایران مورد تردید قرار گرفت.

ثانیاً، انقلاب اسلامی با تمام قدرت فکر جدیدی برای فراخواندن مسلمانان به وحدت اسلامی مطرح کرد. این فکر ضمن آنکه به چارچوب موجود وحدت اسلامی یعنی سازمان کنفرانس اسلامی انتقاد داشت، خواهان توجه به چارچوبی جدید و حرکتی اصیل برای رسیدن به هدف مزبور بود.

ثالثاً، انقلاب ایران ابعاد محافظه‌کارانه و غرب‌گرایی سازمان را به باد انتقاد گرفت و خواهان قطع امید مسلمانان از چنین مراکز و آغاز حرکتی نو و مردمی برای مقابله یکپارچه با توطئه‌های غرب بر ضد جهان اسلام شد.

با وجود این واقعیت، در دوره کوتاه تولد نظام انقلابی در ایران تا شروع جنگ تحمیلی، روابط ایران و سازمان در چارچوب رسمی آن ادامه یافت. ایران در اجلاس‌های سازمان شامل اجلاس یازدهم وزیران خارجه و چند اجلاس اضطراری وزیران خارجه حضور نسبتاً فعالی داشت. سازمان نیز طی این اجلاسها موضع احترام‌آمیزی در برابر نظام انقلابی اتخاذ نمود. در همین زمان و در جریان مناقشه ایران و آمریکا بر سر اشغال سفارت آمریکا در تهران، سازمان قطعنامه‌های مهمی درباره این موضوع تصویب کرد. در اجلاس اول اضطراری وزیران خارجه (اسلام‌آباد - ۱۹۸۰) که برای بررسی تجاوز شوروی به افغانستان تشکیل شده بود، قطعنامه‌ای با عنوان «فشارهای خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا» به تصویب رسید که در آن همبستگی با مردم مسلمان ایران در انتخاب نظامی که خواهان آنند و مبتنی بر اصول اسلامی بعنوان چارچوبی برای زندگی اجتماعی و سیاسی است، اعلام شد. همچنین، مخالفت قاطع سازمان با هرگونه تهدید یا استفاده از زور، فشار، دخالت یا اعمال مجازات‌های اقتصادی در مورد جمهوری اسلامی ایران بیان گردید.<sup>۲۹</sup> قطعنامه مزبور یکی از پنج قطعنامه مصوب اجلاس اضطراری اسلام‌آباد بود. آوردن نام آمریکا در قطعنامه مزبور با وجود مخالفت هشت کشور آفریقایی صورت گرفت،<sup>۳۰</sup> امری که شاید تا آن زمان در سازمان کنفرانس اسلامی سابقه نداشت. سپس در اجلاس یازدهم وزیران خارجه (اسلام‌آباد - ۱۹۸۰) طی قطعنامه مستقلی با عنوان «تجاوز آمریکا به جمهوری اسلامی ایران» تجاوز نیروهای آمریکایی در جریان

عملیات طیس به شدت محکوم گردید و با جمهوری اسلامی ایران و مردم آن در تلاششان به منظور تأسیس کشوری مستقل و حقیقتاً اسلامی که الهام گرفته شده از تعالیم اسلامی باشد، اعلام همبستگی گردید. در این قطعنامه توطئه‌ها، تحریکات و خرابکاریهای تجاوزگران امپریالیست و صهیونیست در مورد سیادت جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آن محکوم گردید.<sup>۳۱</sup>

در سال ۱۹۸۰ دو اجلاس اضطراری دیگر برای بررسی اوضاع فلسطین تشکیل گردید. همچنین، در اجلاس سوم سران (طائف - ۱۹۸۱) تصمیمات تازه و قاطعی بر ضد اسرائیل گرفته شد و برای نخستین بار برای آزادی سرزمینهای اسلامی فلسطین، اعلام جهاد گردید. به نظر می‌رسد آنچه سازمان را وادار به چنین موضعگیریهایی ساخت، فشار ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی بر اعضای متنفذ و بر خود سازمان بود. بر این اساس، اعضای سازمان کوشیدند موضعی مبتنی بر حمایت از نظام انقلابی ایران به نمایش گذارند زیرا رفتاری غیر از این می‌توانست به اعتبار سازمان یا اعضای بانفوذ آن در میان ملل منطقه که از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت غرب‌گرای ایران به هیجان آمده بودند، لطمه بزند.

اما با شروع جنگ تحمیلی، روابط ایران و سازمان وارد مرحله تازه‌ای گردید. همچنین این جنگ به چالش جدیدی برای سازمان بدل شد زیرا بروز درگیری شدید و همه‌جانبه میان دو عضو اصلی سازمان، ایده همبستگی اسلامی را که مبنای جدی شکل در سازمان به شمار می‌رفت، زیر سؤال برد و عملاً نشان داد این تفکر تا چه اندازه در برابر واقعیت‌های موجود در جهان اسلام شکننده است. در جریان این جنگ نه تنها تلاش‌های سازمان برای حل و فصل بحران به نتیجه جدی نینجامید، بلکه سازمان با زیر پا گذاشتن بیطرفی، اصول و اهداف منشور سازمان را نقض نمود. سازمان تنها چند روز پس از آغاز جنگ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) یعنی در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ به پیشنهاد اندونزی و لیبی، اجلاس اضطراری وزیران خارجه را در نیویورک منعقد نمود. در این اجلاس مقرر شد به منظور پایان دادن به جنگ، کمیته‌ای به نام «کمیته حسن‌نیت» تشکیل شود. اعضای این کمیته سران کشورهای سنگال، گامبیا، مالزی، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، گینه، ساف و دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی بودند و مقر کمیته نیز عربستان تعیین گردید. در اجلاس بعدی یعنی اجلاس سوم سران (طائف - ۱۹۸۱) نیز موضوع جنگ ایران و عراق در دستور کار قرار گرفت و قطعنامه مستقلی در مورد آن به تصویب رسید. درحالی‌که نیروهای عراقی بخش‌هایی از خاک ایران را در اشغال داشتند، قطعنامه مزبور بدون درخواست از طرفین برای عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، از دو طرف خواست آتش‌بس فوری را بپذیرند. تنها سه ماه پس از این اجلاس، اجلاس دوازدهم وزیران خارجه کشورهای اسلامی در بغداد، مرکز کشوری که خاک یکی از اعضای سازمان را

بیشتری برای کار با سازمانهای مزبور بر دستگاه سیاست خارجی کشور حاکم شد و ثانیاً يك علت اصلی رکود حاکم بر روابط ایران و سازمان یعنی جنگ ایران و عراق، برطرف گردید. لذا از اجلاس هجدهم وزرای خارجه (ریاض - ۱۹۸۹) ایران بر حضور خویش در سازمان افزود. در این اجلاس، تلاش هیأت ایرانی با همراهی عربستان به توفیق بزرگی انجامید و طی بیانیه ویژه ای «سلمان رشدی» نویسنده انگلیسی کتاب «آیات شیطانی» «مرتد» و کتاب وی «کفرآمیز» شناخته شد. این درجه از درگیری سازمان با غرب بر سر مسائل فرهنگی تازگی داشت. سپس حمله عراق به کویت، تضعیف موقعیت کشورهای ذینفوذ عرب در سازمان به دنبال جنگ دوم خلیج فارس، و فروپاشی شوروی که منجر به تولد کشورهایی شد که از دیرباز امتداد طبیعی تمدن ایرانی به شمار می آمدند، زمینه را برای حضور فعالتر و مؤثرتر ایران در سازمان فراهم ساخت. از این رو، ایران از اجلاس نوزدهم وزرای خارجه (قاهره - ۱۹۹۰) در همه اجلاسهای رسمی (جز اجلاس هفتم سران) در عالیترین سطح شرکت نمود. در اجلاس نوزدهم وزیران موضوع سلمان رشدی در قالب قطعنامه ای مستقل مورد توجه قرار گرفت و همچنین اعلامیه حقوق بشر اسلامی که در نشست کارشناسی تهران تهیه شده بود به تصویب رسید. اجلاس ششم سران بدون شك نقطه عطفی در تاریخ حضور ایران در سازمان کنفرانس اسلامی بود. در این اجلاس برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رئیس جمهور ایران در اجلاس حضور یافت و سخنرانی مفصل ایشان مورد استقبال مقامات دیگر کشورها قرار گرفت و مقرر شد ایران میزبان هشتمین اجلاس سران سازمان باشد. سازمان کنفرانس اسلامی ضمن اجلاس اخیر خویش در جاकारتا (اجلاس ۲۴ وزیران خارجه) قطعنامه ای در حمایت از ایران و لیبی در برابر قانون غیر عادلانه «داماتو» تصویب کرد.<sup>۳۲</sup>

کشورمان در طول دوره اخیر میزبان بسیاری از نشستهای سازمان از جمله اجلاس وزیران مخابرات کشورهای اسلامی، اجلاس وزیران کشاورزی، اجلاس مدیران عامل بانک توسعه اسلامی، اجلاس کمیسیون اسلامی و نشستهای کارشناسی پیرامون حقوق بشر اسلامی و نقش زن در توسعه کشورهای اسلامی بوده است. ایران در دوره اخیر تمام بدهیهای خویش به سازمان را پرداخت کرد، بعنوان اولین کشور نمایندگی دائم نزد سازمان تأسیس نمود و در نشستهای مختلف فعالانه مشارکت داشت. نقش پیشتاز کشورمان بویژه در ارتباط با بحران بوسنی هرزگوین قابل ذکر است. ایران اولین کشوری بود که برگزاری اجلاس اضطراری به منظور بررسی بحران بوسنی را پیشنهاد کرد و از آغاز تشکیل گروه تماس بوسنی، به یکی از اعضای فعال آن بدل گردید. اما محدودیتها، کاستیها و شرایط خاصی موجب شد پیشرفت ایران متوقف گردد. همچنین ناکامیهای نصیب کشورمان گردید که عدم توفیق در تأسیس مرکزی وابسته به سازمان در ایران، و دست نیافتن

مورد تجاوز قرار داده بود، برگزار شد. «صدام حسین» رئیس جمهور عراق به هنگام گشایش این اجلاس، مسئولیت استمرار درگیری را متوجه ایران دانست و سازمان در جانبداری آشکار از متجاوز، این نکته را عیناً در بیانیه نهایی خود منعکس ساخت. گذشته از این، صدام در اجلاس بغداد در حد معرفی ایران بعنوان متجاوز متوقف نشد بلکه تا آنجا پیش رفت که اعلام نمود در درگیری میان کشورهای عرب و غیر عرب، کشورهای عربی نمی توانند و نباید بیطرف باقی بمانند. استدلال فوق در آن اجلاس رسمی نشان داد که ریشه های ایدئولوژیک سازمان تا چه اندازه در برابر چالشهای موجود آسیب پذیر شده است.<sup>۳۲</sup>

«کمیته حُسن نیت» که هفت سال به کار خود ادامه داد، نه بار هیأتهایی به تهران و بغداد فرستاد و طی جلساتی در عربستان نظرات دو کشور را مورد بررسی قرار داد. این کمیته که بعدها به «کمیته اسلامی صلح» تغییر نام داد، گزارش کار خویش را به اجلاسهای چهارم و پنجم سران سازمان تسلیم کرد. اجلاس چهارم سران، درحالی که نیروهای ایران در حال پیشروی بودند، خواهان عقب نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین المللی شد. در اجلاس پنجم سران نیز، در زمانی که نیروهای ایران به داخل خاک عراق نفوذ کرده بودند، «مداخله در امور داخلی دیگران» و «تسلط بر سرزمینهای دیگران با استفاده از زور» محکوم گردید. موارد مزبور همگی حاکی از جانبداری سازمان از طرف متجاوز بود. البته سازمان در برخی موارد تا اندازه ای واقع بینی نشان داد؛ از جمله در نشست هفتم کمیته اسلامی صلح به شکل غیر صریح حملات شیمیایی عراق و حمله به مناطق مسکونی مورد انتقاد قرار گرفت. کمیته اسلامی صلح با برگزاری اجلاس پنجم سران بدون نتیجه ای ملموس به کار خود پایان داد. در طول فعالیت این کمیته، عراق تلاش داشت موضعی در همراهی با سازمان به نمایش بگذارد. از این رو معمولاً از قطعنامه های سازمان درباره جنگ ایران و عراق استقبال می کرد در مقابل، ایران با توجه به عدم رعایت بیطرفی از سوی سازمان و عدم توجه آن به ریشه های حقیقی جنگ ایران و عراق، موضعی انتقادآمیز در برابر مصوبات آن اتخاذ می کرد. ایران در طول این دوره در هیچ يك از اجلاسهای سران سازمان شرکت نمی کرد و حضورش در اجلاسهای وزیران خارجه نیز محدود و کم رنگ بود. در واقع ایران در طول سالهای جنگ ارتباط خود را با سازمان به حداقل کاهش داد. در پایان این دوره (اجلاس هفدهم وزیران خارجه) ایران بخاطر موضعش در برابر واقعه جمعه خونین مکه به گونه ای بی سابقه مورد حمله و انتقاد قرار گرفت.<sup>۳۳</sup>

#### ۴) دوره توجه مجدد

پس از پایان جنگ تحمیلی، دوره ای تازه از روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی آغاز گردید. در شرایط جدید اولاً سیاست ایران درباره سازمانهای بین المللی و حضور در آنها تحول یافت و رغبت

به مقامی در دبیرخانه سازمان یا مراکز ارگانهای آن از آن جمله می باشد.

## ایران در آستانه اجلاس تهران

تهران در روزهای ۱۴ تا ۲۰ آذرماه سال جاری شاهد برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی خواهد بود. در این اجلاس پس از نشست کارشناسان ارشد، وزیران خارجه دو روز پیرامون موضوعات دستور کار به بحث و گفتگو می پردازند. آنگاه سران کشورهای عضو وارد تهران می شوند و در اجلاسی دوازده روزه نظر خود را پیرامون بیش از یکصد موضوع در قالب بیانیه نهایی و اعلامیه تهران اعلام می کنند. این اجلاس نخستین نشست رسمی کشورهای اسلامی است که از زمان تشکیل سازمان تاکنون در ایران برگزار می شود. همچنین اجلاس مزبور دومین گردهمایی سران سازمان است که در قاره آسیا برگزار می گردد. چنان که پیشتر گفته شد، اجلاس تهران بزرگترین گردهمایی خواهد بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سطح سران در ایران برپا می شود. در این اجلاس پادشاه مراکش بعنوان میزبان پیشین سران سازمان، پست ریاست را به جناب آقای خاتمی تحویل خواهد داد و ایشان برای یک دوره سه ساله ریاست سازمان را به عهده خواهند گرفت.

تاکنون اغلب دعوت شدگان موضع مثبتی در برابر اجلاس تهران داشته اند و احتمال می رود زمینه برگزاری گردهمایی بین المللی باشکوهی در تهران فراهم آمده باشد. موقع جغرافیایی ایران بعنوان سرزمینی مرکزی در جهان اسلام، زمینه را برای حضور آسانتر سران کشورهای اسلامی در اجلاس تهران آماده ساخته است. در واقع ۱۳ کشور از ۵۵ کشور عضو همسایگی کشورمان قرار دارند.<sup>۳۵</sup> این اجلاس به علت برگزار شدن در کشوری آسیایی و نیز روابط نسبتاً خوب کشورمان و اعضای آسیایی سازمان، مورد توجه سران گروه آسیایی سازمان قرار خواهد گرفت. اعضای آفریقایی نیز در صورت عنایت کشورهای مؤثر سازمان به اجلاس تهران و اهمیت مباحث آن، فرصت دیدار با سران برجسته جهان اسلام و مشارکت در تصمیم گیریهای حساس را به آسانی از دست نخواهند داد. حساسیت اجلاس تهران بیشتر متوجه حضور سران عرب در تهران است. به علت شرایط خاص حاکم بر روابط ایران و اغلب کشورهای عربی، تاکنون زمینه مطلوبی برای اتخاذ یک موضع مثبت از سوی کشورهای عرب نسبت به تهران وجود نداشته است، اما وقوع تحولاتی موجب شده که این امر نیز از چشم انداز امیدوارکننده ای برخوردار شود.

برگزاری باشکوه اجلاس تهران، موردپسند آمریکا و برخی دیگر از قدرتهای غربی که سیاست منزوی ساختن ایران را پیگیری می کنند نیست و از همین رو سختگوی کاخ سفید رسماً از سران کشورهای

اسلامی خواسته است به دعوت ایران در این زمینه پاسخ مثبت ندهند. اما مهمترین عواملی که می تواند بر کیفیت حضور کشورها در اجلاس تهران مؤثر باشد، تحولاتی است که شرایط خاصی را در کشور میزبان، سازمان و منطقه پدید آورده است:

**تحولات داخلی:** انتخاب جناب آقای خاتمی و موضعگیریهای ایشان در جریان تبلیغات انتخاباتی و پس از آن، به شکل ویژه ای مورد توجه محافل منطقه ای و عربی قرار گرفت. مقامات کشورهای مختلف عربی از این تحول استقبال کردند و در مراکز سیاسی و محافل مطبوعاتی منطقه، بحثهای زیادی در این باره صورت گرفت. در این ارتباط می توان به اعزام نماینده ویژه از سوی پادشاه عربستان به ایران، پیامهای تبریک و مثبت رهبران کشورهای عرب خطاب به رئیس جمهور جدید، اظهارات اخیر دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، موضعگیری جدید این شورا در برابر ایران، موضع تازه کویت در برابر موضوع جزایر سه گانه ایرانی، سفر رئیس جمهور سوریه به ایران، و موضعگیریهای نسبتاً مثبت مقامات مصر اشاره کرد. همچنین برخی مطبوعات عربی خبری مبنی بر اتخاذ موضع مثبت از سوی اتحادیه عرب در اجلاس آتی آن درباره حضور در اجلاس تهران منتشر کرده اند.

تحول انتخاباتی در کشور موجب شد که از بار فشار بین المللی بر ایران کاسته شود و بدون شك بهبود موقعیت بین المللی ایران بر کیفیت حضور سران کشورهای اسلامی در تهران تأثیر مثبت خواهد داشت. تحولات جدید منطقه: مانند سالهای گذشته، درگیری اعراب و اسرائیل مسئله شماره یک منطقه است. کنفرانس مادرید این درگیری را وارد مرحله تازه ای نمود و امیدهایی برای حل و فصل مسالمت آمیز بحران پدید آمد. اما ایران از ابتدا ضمن ناعادلانه دانستن روند صلح خاورمیانه نسبت به توفیق آن در حل و فصل نهایی بحران ابراز بدبینی می کرد و همین امر موجبات انزوای بیشتر ایران را فراهم می آورد. اما با روی کار آمدن «بنیامین نتانیاها» در اسرائیل و عدول عملی دولت وی از تهدات دولت قبلی در قبال فرآیند صلح، بار دیگر ناامیدی و بدبینی به منطقه بازگشته است. این واقعیت موجب شده که کشورهای عربی در برابر فشارهای آمریکا و اسرائیل برای کوتاه آمدن از اصول کنفرانس مادرید، توجه بیشتری به ایران نشان دهند و از این امر در برخورد با طرفهای غربی بهره گیرند. از این رو با استمرار سیاستهای تجاوزگرانه و غیرمستولانه مقامات اسرائیلی و آمریکایی و بی توجهی توهین آمیز آنها به اصول شناخته شده انتظار می رود گرایش مزبور در کشورهای عربی تقویت و زمینه نزدیکی بیشتر ایران و کشورهای عربی فراهم گردد. همچنین سران عرب می توانند با حضور در اجلاس تهران، نمایشی رسمی براساس این سیاست اعلام نشده برپا نمایند.

تحولات جدید سازمان: اجلاس تهران نخستین نشست رسمی سازمان کنفرانس اسلامی است که در آن دبیرکل سازمان «دکتر

Friedrich Ebert Stiftung, 1994), p. 138.

5. *Ibid*, p. 137.

۶. دليل منظمة المؤتمر الاسلامي، الصفحة الثامنة

7. Al - Mashet, op. cit., 9 p. 137.

۸. نگاه کنید به فصل دوم کتاب:

**The Organization of the Islamic Conference in a Changing World.**

9. Baba, op. cit., p. 30.

10. *Ibid*, p. 15.

11. *Ibid*, pp. 27-29.

12. Al - Mashet, op. cit., p. 19.

۱۳. برای اطلاعات بیشتر پیرامون اقدامات پاکستان مراجعه کنید به:

Baba, op. cit., p. 30.

۱۴. برای اطلاعات بیشتر به مبحث «قلمرو اسلامی ناصر» در کتاب فوق‌الذکر مراجعه نمایند.

*Ibid*, p. 34.

۱۵. برای اطلاعات بیشتر به مبحث «ابتکار مالزی» در کتاب فوق‌الذکر مراجعه نمایند.

*Ibid*, p. 37.

۱۶. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به رساله «علل ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی و نقش عربستان سعودی» از محمد مهدی بنده مقدم مراجعه نمایند.

17. Baba, op. cit., p. 53.

18. *Ibid*, p. 54.

۱۹. برای اطلاعات بیشتر در زمینه تلاشهای عربستان به سه منبع زیر مراجعه نمایید:

(قسمت دوم: موفقیت ابتکار سعودی) *Ibid*, p. 38.

(تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی) Al - Mashet, op. cit., p. 20.

- رساله ارتقاء مقام وزارت امور خارجه «علل ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی و نقش عربستان سعودی» از محمد مهدی بنده مقدم.

20. Baba, op. cit., pp. 81-82.

21. *Ibid*, p. 72.

22. *Ibid*, p. 71.

23. *Ibid*, p. p. 110-111.

24. *Ibid*, p. 88.

۲۵. عباسعلی خلعتیری.

۲۶. روزنامه اطلاعات، ۶ اسفند ۱۳۵۲.

27. Baba, op. cit., pp. 110-111.

28. *Ibid*, pp. 129 & 137.

۲۹. بیانات و قرارات موتمرات القمة و وزراء الخارجية. صفحة ۵۲۹.

30. Baba, op. cit., p. 121.

۳۱. بیانات و قرارات موتمرات القمة و وزراء الخارجية. صفحات ۵۸۰ و ۵۸۱.

32. Baba, op. cit., p. 158.

۳۳. فرزاد مدوحی، سازمان کنفرانس اسلامی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵)، ص ۲۲۵.

۳۴. قطعه‌نامه‌های سیاسی اجلاس ۲۴ وزرای خارجه (جاکارتا - ۱۹۹۶).

۳۵. ۱۳ کشور مزبور عبارتند از: پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، ترکیه، عراق، کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات

متحدہ عربی، عمان.

عزالدین العراقي» نقش جدید خویش را ایفا خواهد کرد. او در ابتدای کار خود اعلام داشت که برنامه‌هایی برای ایجاد تحول جدی در سازمان اجرا خواهد کرد. براین اساس او به بازنگری عملکرد سازمان توجه خاص نشان داده و در صدد استفاده از نتایج این بحث در جریان اعمال تغییراتی در سازمان است. واقعیت بزرگتر، شرایط داخلی سازمان با توجه به تغییر موازنه نیروهای مؤثر بر فرآیند تشکل در سازمان است. از این حیث شاید مرحله کنونی از حیات سازمان را بتوان مرحله گذار از دوره قدیم به دوره جدید خواند. در دوره قدیم کشورهای محافظه کار عرب بر اساس درآمدهای نفت و طبیعت سنت‌گرای حکومت‌های خود، صاحب بیشترین تأثیر در فرآیند تشکل در سازمان کنفرانس اسلامی بودند. اما در پی وقوع جنگ دوم خلیج فارس و کاهش بیسابقه درآمدهای نفتی آنها، پیروزی اسلام‌گرایان از طریق تحولات دموکراتیک و مردمی در کشورهای منطقه چون ایران، ترکیه و الجزایر و تبدیل‌تاز برخورد تمدنها به برنامه‌ای عملی در جریان تقابل جهان اسلام و غرب، شرایط جدیدی در حال ظهور می‌باشد. اوضاع جدید می‌تواند روابط ایران و سازمان را وارد مرحله تازه‌ای کند. چنان‌که مطرح شد، پس از توجه مجدد ایران به سازمان در پایان جنگ تحمیلی، روابط ایران و سازمان پیشرفت کرد اما در سطح محدودی باقی ماند. به نظر می‌رسد تحولات فوق‌الذکر در سطوح مختلف، شرایط مناسبی برای عبور از مرحله فعلی و ارتقاء روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی فراهم آورده باشد؛ بدین سان که از یک سو تحولات کشور و منطقه زمینه ساز حضور جدی سران کشورهای عضو در تهران باشد که این امر خود منجر به جایگاهی بهتر در سازمان برای ایران خواهد شد و ریاست ایران بر سازمان در طول سه سال آتی نیز در روابط ایران و سازمان و اعضای آن تأثیر مثبت و احتمالاً درازمدت خواهد داشت، و از سوی دیگر امید می‌رود تغییر در موازنه نیروهای مؤثر در فرآیند تشکل در سازمان موجبات بهبود موقعیت ایران را در سازمان فراهم آورد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که راه تبلور موقعیت ایران بعنوان یکی از اعضای مهم جهان اسلام گشوده شود.

## یادداشتها:

1. Noor Ahmad Baba, **Organization of Islamic Conference (Theory and Practice of Pan - Islamic Cooperation)**, (New Delhi: Sterling Publishers, 1994), p VII.

2. *Ibid*, p. IX.

3. «Senior Officials Session» and «Islamic Commission of Social, Economic & Cultural Affairs»

4. Abdel Monem Al - Mashet, **The Organization of the Islamic Conference in a Changing World**, (Cairo: